

هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم در امریکا در ترازوی حقوق بین‌الملل

آرامش شهبازی*

«أنا نحنُ نزلنا الذكرُ و أنا لهُ لحافظون»
(حجر، ۹)

چکیده

هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم (نعوذ بالله) در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ (۲۰ شهریور ۱۳۸۹) در ایالات متحده امریکا روح هر انسان آزاده و به‌ویژه مسلمان را مکدر ساخت. «تری جونز» کشیش افراطی کلیسای کوچکی در ایالت فلوریدای امریکا چندی پیش طرحی را ارائه داد که حاکی از به آتش کشیدن ۲۰۰ جلد قرآن کریم در سالگرد حوادث ۱۱ سپتامبر بود. زمانی که این کشیش با فشار افکار عمومی امریکا سرانجام از این اقدام افراطی خود صرف‌نظر کرد، یک امریکایی افراطی دیگر پس از پاره کردن برگه‌هایی از قرآن کریم، آن‌ها را در محل حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک به آتش کشید؛ اقدامی که دو کشیش کلیسای آنجلیکن در ایالت تِیسی امریکا نیز به تکرار آن پرداختند. در این مقاله ضمن بیان ضرورت تأمل در هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر از حیث ماهیت، به مسأله هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم در ایالات متحده امریکا و حدود و ثغور حق‌های بشری در موضع تزاخم و تعارض خواهیم پرداخت. در این راستا، پس از بیان واقعه، اقدام به هتک حرمت به قرآن کریم به بهانه آزادی بیان را از منظر حق‌های بشری و چگونگی تعامل و تزاخم آن‌ها از نظر خواهیم گذراند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آزادی مذهب، آزادی بیان، ایالات متحده امریکا، حقوق بشر، حرمت مقدسات

* نویسنده مسئول، دکتری حقوق بین‌الملل arameshshahbazi@gmail.com

این مقاله را به روح بلند و ملکوتی حضرت امام خمینی (ره) تقدیم می‌دارم، او که با فتوای تاریخی خود در مورد نویسنده مرتد کتاب آیات شیطانی به تمام مسلمانان آزاده جهان آموخت که باید با هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم به مقابله برخاست.

مقدمه

از انقلاب فرانسه (۱۷۸۹ میلادی) به این سو، آزادی بیان به عنوان حقی بشری و دستاوردی شکوهمند برای نوع بشر قلمداد می‌شود. به دیگر سخن، آزادی بیان به عنوان رکن دموکراسی، دارای این ظرفیت است که بر خلاف دیگر حقوق و آزادی‌های بشری به کار گرفته شود. به جرأت می‌توان گفت که در حوزه حقوق بشر، هیچ‌یک از آزادی‌های شناخته شده به اندازه آزادی بیان قابلیت سوءاستفاده ندارد. با وجود این، زمانی که این حق بشری، خود در تعارض با برخی حق‌های بشری دیگر، مانند حق آزادی مذهب قرار می‌گیرد، مسأله به گونه‌ای دیگر خودنمایی می‌کند. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد آزادی عقیده و بیان اشعار می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که فرد از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، محدودیتی را بر نتابد». همچنین آزادی عقیده و بیان، موضوع ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. بند ۱ این ماده در مورد آزادی عقیده مقرر می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد تعدی و تهدید قرار داد». همان‌گونه که براساس نظریه تفسیری شماره ۱۰ کمیته حقوق بشر سازمان ملل حق مزبور، حقی است که میثاق در رابطه با آن هیچ استثنا و یا محدودیتی را نمی‌پذیرد.^۱ از سوی دیگر، هر کسی آزاد است عقاید خود را آزادانه ابراز دارد. بند ۲ ماده ۱۹ میثاق در این خصوص مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به محدودیت‌ها، به صورت شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ، یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است».

با این‌که آزادی عقیده و بیان، حق‌های بشری شناخته شده‌ای در اسناد حقوقی بین‌المللی هستند، به‌تنهایی در زمره حق‌های بشری قرار نمی‌گیرند و لذا با توجه و عنایت به سایر حق‌های بشری مورد توجه قرار می‌گیرند. از سوی دیگر نمی‌توان این نکته را نیز نادیده گرفت که «اساسی بودن این حق‌های بشری، باعث نمی‌شود تا به‌طور مطلق از هر گزندی مصون بمانند».^۲

محور اصلی مقاله حاضر، با توجه به اقدام اخیر صورت گرفته توسط چند کشیش امریکایی در ایالات متحده در هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم، تأملی در تعامل میان حق‌های بشری و حدود و ثغور آن‌ها است. روشن است که مفهوم آزادی بیان با مفهوم تساهل و بردباری و تلاش برای محور روحیه تبعیض

1. See McGoldrick, *The Human Rights Committee: Its Role in the Development of the International Covenant on Civil and Political Rights* (Oxford, Clarendon Press, 1991), p. 460; Human Rights Committee, General Comment No. 10: Freedom of Expression (Art.19) (UN Doc. CCPR/C/21/Add.2, 1983).

2. Eva Brems, "Conflicting Human Rights: An Exploration in the Context of the Right to a Fair Trial in the European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms", 27 *Human Rights Quarterly* (1), 2005, p. 300.

ارتباط مستقیمی دارد. اساساً افزایش تنش‌های قومی و قبیله‌ای، بروز جنگ‌های داخلی، و گسترش و تشدید بنیادگرایی، همه از عوامل ظهور نابردباری‌اند که در سال‌های اخیر اشکال جدیدی به خود گرفته‌اند. برای اولین بار در سال ۱۹۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از تمامی دولت‌ها خواست تا قوانین تبعیض‌آمیزی را که در استمرار تبعیض نژادی و نابردباری مذهبی نقش دارند ملغی کرده و اقدامات مقتضی را برای مبارزه با این‌گونه نابردباری‌ها و تعصبات صورت دهند. سپس در ۲۵ نوامبر سال ۱۹۸۱ اعلامیه نابردباری مذهبی به تصویب مجمع عمومی رسید.^۳ اعلامیه فوق از یک مقدمه و ۸ ماده تشکیل شده و به اصول مربوط به حقوق و آزادی‌های مذهبی اعتبار ویژه‌ای می‌بخشد.^۴ بدین‌سان از آن‌جا که از میان حق‌های بشری، می‌توان به مصادیق متعددی همچون آزادی مذهب اشاره کرد، از یک‌سو تعامل و همپوشی و از سوی دیگر امکان تزاخم و تعارض میان این حق‌های بشری چالشی جدی بوده و لازم است تا در میان این حقوق مصالحه‌ای قابل قبول صورت گیرد.^۵ در این مقاله، ضمن طرح بحث اخیر هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم در ایالات متحده آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۰ به تحلیل حقوقی این اقدام به بهانه آزادی بیان و حدود و قلمرو رابطه میان این دو حق بشری (و طرح برخی مباحث مرتبط) خواهیم پرداخت.

مبحث نخست: هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۰ در ایالات متحده آمریکا

«تری جونز» کشیش افراطی کلیسای کوچکی در ایالت فلوریدای ایالات متحده آمریکا چندی پیش طرحی را ارائه داد که حاکی از به آتش کشیدن ۲۰۰ جلد قرآن کریم در سالگرد حوادث ۱۱ سپتامبر بود؛ طرحی که البته با مداخله دولتمردان آمریکایی و بیم آن‌ها از واکنش مسلمانان به این هتک حرمت متوقف شد و به نحو گسترده‌ای هم مورد نفرت افکار عمومی جهان به ویژه مسلمانان در کشورهای اسلامی^۶ و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

در جایی دیگر، همزمان که این کشیش با فشار افکار عمومی آمریکا سرانجام از اقدام افراطی خود برای به آتش کشیدن قرآن کریم در سالگرد حادثه ۱۱ سپتامبر صرف‌نظر کرد، یک آمریکایی افراطی پس از پاره

۳. اسدی، طیبه، «آزادی بیان و هتک حرمت ادیان و پیامبران در اروپا از منظر حقوق بشر»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۰، ۱۳۸۵، ص ۳۰.

۴. اعلامیه امحای کلیه اشکال نابردباری و تبعیض مذهبی، مصوب مجمع عمومی، قطعنامه ۳۶/۵۶، ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱.

۵. در هر حال، غیرقابل تعلیق بودن حق‌های بشری، مانع از بروز تزاخم و تعارض میانشان نیست. ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این شروط را بیان کرده که در ادامه به ذکر و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۶. از جمله حزب‌الله لبنان در واکنش به طرح «تری جونز» برای به آتش کشیدن نسخه‌هایی از قرآن کریم، خواستار اتخاذ تدابیر تضمین‌کننده برای ممانعت از این امر از سوی دولت آمریکا شد و چنین امری را محکوم کرد. ر.ک:

http://www.tebyan.net/politics_social/politics/foreign_policy/report/2010/9/14/136850.html (17.10.2010).

کردن برگه‌هایی از قرآن کریم، آن‌ها را در محل حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک به آتش کشید. این اقدام که دو کشیش کلیسای آنجلیکن در ایالت تنسی آمریکا نیز به تکرار آن پرداختند، در مکان‌های دیگر مانند کلیسای کوچکی در ایالت کانزاس تنها در حد تهدید باقی ماند و عملی نگردید.^۷

سرانجام با فشارهای بین‌المللی، مقامات دولتی آمریکا و گروه‌های مذهبی و اجتماعی نیز مجبور شدند به‌طور گسترده نسبت به این موضوع واکنش نشان دهند تا از این راه، خود را از پیامدهای چنین اقدامی دور سازند. در همین راستا کاخ سفید نیز با پیوستن به جمع فرماندهان نظامی خود در عراق، نگرانی‌اش را نسبت به این اقدامات ابراز کرد. «رابرت گیتس»، سخنگوی کاخ سفید در این زمینه، بدون این‌که هتک حرمت ساحت مقدس ادیان الهی را محکوم سازد، ابراز داشت: «این کار، جان سربازان ما در کشورهای مسلمان را به خطر می‌اندازد و به‌طور خاص، هرگونه اقدامی که جان سربازان ما را تهدید کند، برای دولتمان نگران‌کننده است». البته واکنش‌ها در سطح بین‌المللی منحصر به مسلمانان نبود، تا جایی که دبیر کل ناتو نیز به محکوم کردن این اقدام پرداخت.^۸ واتیکان نیز ضمن محکومیت این اقدام، آن را مغایر با لزوم احترام به تمامی ادیان و تعالیم دین مسیح دانست و این عمل را اقدامی غیرمسئولانه توصیف کرد که واکنش‌هایی جهانی را به همراه خواهد داشت. حتی گروه‌های مختلف مذهبی در آمریکا نیز در بیانیه‌های جداگانه‌ای این اقدام را محکوم کردند.^۹ به‌رحال، خشم و تنفر قریب به دو میلیارد مسلمان جهان نسبت به این اقدام موهن به قدری بارز بود که در بیش‌تر رسانه‌های خبری جهان انعکاس وسیعی یافت، لکن در این مجال به جزئیات آن نخواهیم پرداخت.

مبحث دوم: تحلیل حقوقی هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم به بهانه آزادی بیان

زمانی که میان آزادی داشتن مذهب یا عقاید مذهبی با آزادی ابراز عقاید مذهبی تعارض مطرح شود، چالش جدی و سستی پیرامون انتخاب میان حق‌های مزبور به عنوان دو حق بشری که مورد حمایت اسناد بین‌المللی نیز قرار گرفته و از حیث ارزش ذاتی برابری می‌کنند، خودنمایی می‌کند. در حالی که حق آزادی بیان از حق‌های بشری مطلق به حساب نمی‌آید، محدودیت‌هایی که برای آن برشمرده شده خود محل بحث و نظر است. از سوی دیگر، با آن‌که آزادی مذهب در زمره حقوقی است که به لحاظ بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته^{۱۰} و در بسیاری از اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده،^{۱۱} به‌جرات می‌توان گفت که هیچ معاهده

7. <http://news.oneindia.in/2010/09/11/9-11-anniv-another-church-threatens-quran-burning.html> (17.10.2010).

8. *Ibid.*

9. *Ibid.*

10. Natan Lerner, *Religion, Beliefs, and International Human Rights*, Religion and Human Rights Series, Orbis Books, Maryknoll, New York, 2000, pp. 119-20.

بین‌المللی را نمی‌توان نام برد که صریحاً قلمرو و ابعاد آزادی مذهب را معین و روشن کرده باشد^{۱۲} و لذا به قطعیت نمی‌توان حق عقیده و باور یا اعتقاد به سمبل و نشانی را در قالب حق آزادی مذهب مطلقاً مبرا از هرگونه محدودیتی تلقی کرد.^{۱۳}

مرزهای نامعلوم و گاه خاکستری میان آزادی مذهب و آزادی بیان که گاه دغدغه‌هایی جدی را به همراه می‌آورند از جهات متعدد قابل تأملند. کاریکاتورهایی که توسط یک کانادایی در روزنامه «یولاند پوستن» از پیامبر اسلام،^{۱۴} حضرت محمد مصطفی (ص) کشیده شد و خشم شدید مسلمانان جهان را برانگیخت و تا مدت‌ها ادامه داشت^{۱۵} و اخیراً نیز اقدام یک کشیش امریکایی به هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم که خشم مسلمانان و انسان‌های آزاده جهان را به همراه داشت، نمونه‌هایی از چالش‌های مطرح در عرصه بین‌المللی در این خصوص محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین نکته قابل طرح در پاسخ به چالش‌های مطرح، این است که آیا این دسته حق‌های بشری، حق‌هایی مطلق محسوب می‌شوند؟ آیا به نحو عملی امکان تعارض و تراحم میان این دو حق بنیادین وجود دارد؟ و اگر چنین است آیا در فرض تعارض می‌توان با استناد به یکی، دیگری را نادیده انگاشت؟

مبحث سوم) تراحم و تعارض میان آزادی بیان و آزادی مذهب؛ امکان و امتناع؟

در علم حقوق، هرگاه دو قاعده حقوقی در تراحم یا در تعارض با هم قرار گیرند، حقوقدانان معمولاً به

۱۱. ماده ۱، ۱۳ و ۵۵ منشور ملل متحد، متضمن احترام به حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر بدون تمایز نژادی، جنسیتی و مذهبی هستند. در ماده ۱۸ و ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر به درک متقابل، تساهل و مدارا میان ملت‌ها و گروه‌های نژادی و مذهبی اشاره شده است. در ماده ۴ کنوانسیون مرتبط با وضعیت پناهندگان، به این امر اشاره شده که لازم است آزادی مذهب و آزادی‌ای که آموزش مذهبی فرزندان پناهندگان را تأمین می‌کند، مورد نظر قرار گیرد. در کنوانسیون منع تبعیض در آموزش در ماده ۱، ۲ و ۵ ضمن تأکید بر آزادی مذهب پذیرفته شده است که به هر حال تأسیس و آموزش افراد در مؤسسات آموزشی به نحو جداگانه به دلایل مذهبی، امری تبعیض‌آمیز تلقی نمی‌شود. در ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است: «این سند آموزش مذهبی و اخلاقی فرزندان را براساس خواسته والدین یا سرپرست‌های قانونی‌شان تضمین می‌کند». علاوه بر این در کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۱۴)، کنوانسیون رفع اشکال تبعیض علیه زنان (ماده ۱۶)، کنوانسیون منع تبعیض نژادی (ماده ۵) و برخی اسناد بین‌المللی دیگر، مانند اعلامیه جهانی قاهره (۱۹۹۰) نیز به مضامینی مشابه اشاره شده است.

12. See Arcot Krishnaswami's Study of Discrimination in the Matter of Religious Rights and Practices, UN Sales No. 60. (1960), XIV.2

۳۱. دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه کمپبل و کوزانس (*Campbell and Cosans*) اظهار می‌دارد: «اعتقادات (convictions)، گستره‌ای اعم از قلمرو باورها (opinions) و ایده‌ها (ideas) دارند». ر.ک:

Campbell and Cosans V. United Kingdom, Application no. 7511/76; 7743/76. (Feb. 1982), Ser.A, No. 48, para. 36.

۴۱. برای آگاهی بیش‌تر از موقوع ر.ک: اسدی، طیبه، پیشین، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۵۱. این امر تا جایی گسترش یافت که سازمان کنفرانس اسلامی را نیز به عکس‌العمل واداشت. ر.ک:

<http://www.oic-oci.org/press/english/2005/5/october2005/eu-sg.htm>. (03.09.2010).

هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم ... ❖ ۴۳

ساز و کارهای از پیش تعیین شده‌ای جهت حل معضل متوسل می‌شوند.^{۱۶} این در حالی است که در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر، قضیه تا حدی متفاوت است. در صورت تعارض دو هنجار حقوق بشری، معمولاً از این دو هنجار، با هدف حمایت بیش‌تر از حقوق بشر، هنجاری در اولویت قرار می‌گیرد که به بهترین نحو به اعمال و اجرای حقوق بشر منتهی می‌شود.^{۱۷} مسأله تزامم و تعارض در قلمرو حق‌ها در قالب دو رویکرد قابل بررسی و تأمل است. یک رویکرد، «رویکرد تعریفی» است.^{۱۸} در این رویکرد، باید حق را از ابتدا به صورت محدود و مقید شناسایی کنیم. به نظر می‌رسد در چنین فرضی اساساً مسأله تعارض حق‌ها مطرح نخواهد بود، چرا که به دلیل تعریف محدود حق، اصولاً مسأله تعارض بی‌معنا است. اما در «رویکرد تحدیدی»، مسأله از حیث تعارض مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فرض، همزمان که افراد از حقوقی برخوردارند، در نقطه مقابل، دیگران نیز حق بهره‌مندی از حریم شخصی و حیثیتی خود را خواهند داشت و لذا از آن‌جا که در چنین رویکردی، سخن از حق‌های از پیش تعریف شده بدون در نظر گرفتن امکان تزامم و تعارض نیست، سخن از محدود کردن حق‌ها در مقابل حق‌های دیگر است.^{۱۹}

در هر صورت، در بحث حاضر به نظر می‌رسد رویکرد اخیر قابل تأمل‌تر است، چرا که آزادی ابراز عقیده و مذهب، از یک‌سو و آزادی بیان از سوی دیگر در زمره حق‌های بشری محسوب می‌شوند، هرچند که در هر حال، ضرورت‌های زندگی اجتماعی و مقتضیات زمان می‌تواند زمینه‌ای را جهت طرح تزامم و تعارض در میان چنین حق‌هایی و لذا فرض محدودیت‌هایی در هر حق فراهم سازد.

از همین‌روی، به نظر می‌رسد بند ۳ ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، با پیش‌بینی امکان بروز تزامم و تعارض میان حق‌های بشری مندرج در این سند با غلبه حق بر آزادی مذهب تدوین گشته است، این بدان معنا است که از بین حق‌های مندرج در میثاق، تنها حق‌های بنیادین در تعارض با حق آزادی مذهب قرار می‌گیرند و از آن‌جا که حق‌های بنیادین بر سایر حق‌های بشری اولویت دارند،^{۲۰} عملاً چنین تعارضی ممکن و لذا قابل بحث بوده لکن لازم است تا ضمن تضمین حدود و ثغور حق‌ها به میان شیوه‌های حل تعارضی

۶۱. در تعارض میان قواعد حقوقی به طور کلاسیک دو اصل حقوقی قاعده مؤخر (lex posterior) و اصل قاعده خاص (lex specialis) در هر قضیه تعیین‌کننده‌اند. برای مطالعه بیشتر ر.ک: شهبازی، آرامش، نظام حقوق بین‌الملل، وحدت در عین کثرت، شهر دانش، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ شهبازی، آرامش، «تأملی در وحدت و کثرت نظام حاکم بر سیستم حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، ۱۳۸۸، شماره ۴۱، ص ۱۳-۶۰.

۷۱. از چنین ساز و کاری در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر به‌عنوان قاعده قانون مطلوب‌تر یاد می‌شود. ر.ک: سادات اخوی، علی، «قاعده قانون مطلوب‌تر به‌عنوان ضابطه حل تعارض میان معاهدات حقوق بشری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲، ۱۳۸۵، ص ۲۰۶.

۸۱. ر.ک: قاری سید فاطمی، سید محمد، «قلمرو حق‌ها در حقوق بشر معاصر: جهانشمولی در قبال مطلق‌گرایی»، نامه مفید، شماره ۳۳، ۱۳۸۱، ص ۱۵.

۹۱. قاری سید فاطمی، سیدمحمد، پیشین، ص ۱۶.

۲۰. برای مطالعه دیدگاه مخالف ر.ک:

Theodor Meron, "On a Hierarchy of International Human Rights", 80 *Am. J. Int'l Law* (1), 1986, pp 1-ff.

پرداخت.

مبحث چهارم) حدود و ثغور آزادی بیان و آزادی مذهب

جامعه بین‌المللی تعهدی جدی به محافظت از حق‌های بشری (در مبحث حاضر حق آزادی بیان و حق آزادی مذهب به‌عنوان) دارد.^{۲۱} اما مسأله این است که اگر به امکان تراحم و تعارض میان حق‌های بشری معتقدیم، در این صورت، حدود و ثغور چنین حق‌هایی بر چه اساسی تعیین می‌شوند و به عبارت بهتر آیا اصولی کلی در این قلمرو قابل فرض است یا خیر؟

محدودیت‌های مطرح در حق‌های بشری، معمولاً به «محدودیت‌های متعارف»^{۲۲} و «محدودیت‌های فوق‌العاده»^{۲۳} تقسیم می‌شوند. محدودیت‌های متعارف، محدودیت‌هایی هستند که حق‌های بشری در اوضاع و احوال عادی آن‌ها را برمی‌تابند و محدودیت‌های فوق‌العاده محدودیت‌هایی هستند که در حالت فوق‌العاده به اجرا درآمده، عمدتاً به صورت موقتی مانع از اعمال حق‌های بشری می‌گردند. گفتنی است که در فرض اخیر هیچ‌گونه تضمینی برای اعمال و اجرای حق‌های مورد نظر از سوی دولت قابل تصور نیست.^{۲۴} از میان حق‌هایی که در شرایط خاص می‌توانند توسط دولت به صورت موقت به حالت تعلیق درآیند، می‌توان به حق عبور و مرور آزادانه،^{۲۵} حق آزادی بیان،^{۲۶} حق تجمعات صلح‌آمیز^{۲۷} و حق تشکیل مجامع و تشکل‌ها^{۲۸} اشاره

۱۲. به نظر می‌رسد اسناد حقوقی متعددی که بسیاری از آن‌ها جهانشمول هستند، مانع از طرح هرگونه تردید جدی در این خصوص باشند.

22. ordinary limitations

23. extraordinary limitations

24. Anna-Lena Svensson, McCarthy, *The International Law of Human Rights and States of Exception: With Special Reference to the Travaux Preparatoires and Case-Law of the International Monitoring*, Springer, 1998, p. 49.

عبارت‌پردازی بند ۳ میثاق به‌گونه‌ای است که به زعم برخی براساس آن، آزادی بیان از شمول حق‌های بنیادین و غیرقابل انحراف (مندرج در ماده ۴ میثاق) خارج شده است. از این رو لازم است تا میان تعلیق و تحدید حق‌ها قائل به تفکیک شویم. ماده ۴ میثاق مقرر می‌دارد: «۱» هرگاه یک خطر عمومی استثنایی موجودیت یک ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود، کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت ایجاب می‌کند، اتخاذ کنند مشروط بر این‌که تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند، مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصرأ براساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود؛ ۲) حکم مذکور در بند فوق هیچ‌گونه انحرافی از مواد ۶ و ۷ (بند اول و دوم) و ماده ۸، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۸ میثاق را تجویز نمی‌کند؛ ۳) دولت‌های طرف این میثاق که از حق انحراف استفاده می‌کنند، مکلفند بلافاصله سایر دولت‌های طرف میثاق را توسط دبیرکل ملل متحد از مقرراتی که از آن انحراف ورزیده و جهاتی که موجب انحراف شده است مطلع سازند و در تاریخی که به این انحرافات خاتمه می‌دهند مراتب را به وسیله اعلامیه جدیدی از همان مجرا اطلاع دهند». برای مطالعه تفصیلی در این خصوص ر.ک: زمانی، قاسم، *تقریرات درس حقوق بین‌الملل بشر*، دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، نیمسال اول تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹.

۵۲. ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

۶۲. ماده ۱۹ همان.

۷۲. ماده ۲۱ همان.

کرد. بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در همین خصوص مقرر می‌دارد: «اعمال و اجرای آزادی بیان مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و از همین رو ممکن است تابع محدودیت‌های از پیش تعیین‌شده‌ای باشد که در قانون تصریح شده و برای تحقق این امور ضرورت دارد: نخست، احترام به حقوق و حیثیت دیگران و دوم، حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت و اخلاق عمومی». شروط محدودکننده مشابهی برای آزادی بیان در بند ۲ ماده ۱۳ میثاق امریکایی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۱۰ میثاق اروپایی حقوق بشر پیش‌بینی شده است. با این حال، شروط محدودکننده در میثاق اروپایی حقوق بشر در مقایسه با بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، زمینه‌های متعدد و متنوع‌تری را برای محدودیت بر آزادی بیان پیش‌بینی کرده‌اند، بدین ترتیب که: «از آن‌جا که اعمال چنین حقی با خود، تکالیف و مسئولیت‌هایی را به همراه دارد، ممکن است منوط به تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها و مجازات‌هایی باشد که در یک جامعه دموکراتیک و براساس قانون حفظ مصالح امنیتی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی، محافظت در مقابل بی‌نظمی یا جرائم عمومی، در راستای محافظت از سلامت و اخلاق، محافظت از حیثیت یا حقوق دیگران، پیشگیری از افشای اطلاعاتی که محرمانه دریافت شده‌اند و حمایت از اختیارات و بی‌طرفی دستگاه قضایی، در نظر گرفته شده است».

به نظر می‌رسد اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد بین‌المللی که به ضرورت حفاظت و حمایت از حق‌های بشری تأکید می‌ورزند و هر کدام برخی محدودیت‌های وارد بر حق‌های بشری را به گونه‌ای مورد ملاحظه قرار می‌دهند، در عمل پاسخ روشنی به مسأله حل تراحم و تعارض ارائه نمی‌دهند.^{۲۹} از همین رو، لازم است قضیه با تمسک به برخی اصول کلی حقوقی، به صورت موردی و با توجه به مقتضیات خاص و اوضاع حاکم بر هر قضیه و با تفسیری هماهنگ از مندرجات اسناد کلیدی حقوق بشری مورد توجه قرار گیرد. در همین حال نباید از یاد برد که لازم است برای رفع تراحم یا تعارض احتمالی، قضیه به صورتی مورد توجه قرار گیرد که تا جای ممکن خللی به اجرای هیچ‌یک از حق‌های ذی‌ربط وارد نشود.

در این راستا برخی با استناد به قاعده «قانون مطلوب‌تر»، معتقدند در تعارض میان دو تعهد بین‌المللی در حوزه حق‌های بشری، تعهدی ارجح است که بیش‌ترین حمایت را از فرد به عمل آورد. با این وصف، ملاک ارجحیت معاهدات، میزان حمایتی است که از افراد به عمل می‌آورند، نه تقدم و تأخر زمانی آن‌ها.^{۳۰} بند ۲ ماده ۵ میثاق بین‌المللی حق مدنی و سیاسی در این خصوص مقرر می‌دارد: «هیچ‌گونه محدودیت یا تخطی از هر یک از حق‌های اساسی بشری که به موجب قوانین، کنوانسیون‌ها، آیین‌نامه‌ها یا عرف و عادت در هر

۸۲. ماده ۲۲ همان.

29. Louis Henkin, "Group Defamation and International Law", in Freedman (eds), *Group Defamation and Freedom of Speech: The Relationship between Language and Violence*, Monroe H. Freedman & Eric M. 1995, p. 123.

۳۰. سادات اخوی، علی، پیشین، ص ۲۰۶.

دولت طرف این میثاق به رسمیت شناخته شده یا نافذ و جاری است به عذر این که این میثاق چنین حق‌هایی را به رسمیت نشناخته یا این که به میزان کم‌تری به رسمیت شناخته، قابل قبول نخواهد بود.^{۳۱}

با این حال، نباید از یاد برد که بحث حاضر، تعارض تعهداتی از یک جنس نیست، بلکه مبحث حاضر به تعارض تعهداتی از دو رده متفاوت می‌پردازد که هر یک در نوع خود می‌تواند به اعمال مطلوب‌تر حق‌های بشری منتهی شود. با این وصف، لازم است وضعیتی در نظر گرفته شود که بر اساس آن، اجرای تعهدات حق بشری و حفاظت از آن‌ها در دو حوزه متفاوت، اما در یک زمان مطرح است و تزامم و تعارض ممکن، مانع از اعمال مطلوب و همزمان دو حق بشری می‌گردد. در فرض اخیر، از آن‌جا که هیچ‌گونه اصل یا قاعده حقوقی از پیش تعریف شده‌ای قابلیت اعمال ندارد، لازم است تا به صورت موردی و با توجه به برخی اصول حقوقی، این وضعیت مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا می‌کشیم تا با استناد به امکان تسری «دکترین حاشیه تفسیر»^{۳۲} که نزد برخی مراجع قضایی بین‌المللی نیز مورد قبول قرار گرفته^{۳۳} به تأمل در این تعارض بپردازیم.

اصل دکترین حاشیه تفسیر برای نخستین بار توسط کمیسیون حقوق بشر اروپایی در سال ۱۹۵۸ در قضیه «قبرس علیه ترکیه» و سپس در قضیه «هندی‌ساید علیه انگلیس» در سال ۱۹۷۶^{۳۴} و در دعوی «لاولس علیه ایرلند» به کار رفت.^{۳۵} با این حال رفته رفته این اصل قلمرو اروپا را درنوردید،^{۳۶} چنان‌که

۱۳. در اسناد دیگری نیز مضامین مشابهی به کار رفته است. ر.ک: بند ۲ ماده ۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۵۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق بشر کشورهای آمریکایی، ماده ۲۳ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، ماده ۴۱ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۲ کنوانسیون منع شکنجه و برخی اسناد حقوقی دیگر.

32. margin of appreciation doctrine

33. S. Greer, *The Margin of Appreciation: Interpretation and Discretion Under the European Convention on Human Rights*, Council of Europe, 2000, p. 5.

34. *Handyside v. The United Kingdom*, (Judgment of 7.12.1976)

در این پرونده، ریچارد هندی‌ساید کتابی را با عنوان «کتاب مدرسه» در سال ۱۹۶۸ منتشر کرد که نه تنها در انگلیس بلکه در بلژیک، فنلاند، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، یونان، ایسلند، ایتالیا، نروژ، سوئد و سوئیس هم به چاپ و انتشار رسید. این کتاب سلسله مباحثی پیرامون مسائل جنسی را در خود داشت که به صورتی بی‌پروا، کودکان و نوجوانان را به برقراری رابطه جنسی، همجنس‌گرایی و مسائل مشابه هدایت می‌کرد. دیوان پس از بحث و بررسی‌های فراوان، مداخله دولت انگلیس برای جلوگیری از انتشار آن را اقدامی در جهت حمایت از ارزشهای اخلاقی و ضروری در یک جامعه دموکراتیک تلقی نمود.

35. See Michael Hutchinson, "The Margin of Appreciation Doctrine in the European Court of Human Rights", 48 *International and Comparative Law Quarterly*, 1999, pp.638-639.

۳۳. چنین می‌نماید که در هر حال، بررسی رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد بیان توهین‌آمیز نیز نشانه‌ای از شرایط محدودکننده اجرای حق آزادی بیان است. دیوان در آرای خود در این زمینه به نقض حقوق بشر گروه‌های نژادی و ماده ۵ کنوانسیون اشاره می‌کند که انتشار عقاید مبتنی بر برتری نژادی را از سوی دولت‌ها ممنوع و قابل مجازات می‌داند و سازمان‌ها و گروه‌ها را از ترویج و گسترش تبعیض نژادی منع می‌کند؛ چرا که دیوان خود به‌صراحت اعلام می‌کند که آزادی مذهب و عقیده یکی از حقوق مهم کنوانسیون و همین‌طور که در ماده ۹ درج شده، از زیربنای جامعه دموکراتیک است؛ مضافاً این که یک دارایی گرانبها برای معتقدان به مذهب و تکثرگرایی در داخل یک

هتک حرمت ساحت مقدس قرآن کریم ... ❖ ۴۷

اینک دیوان بین‌المللی دادگستری^{۳۷} و سازمان تجارت جهانی نیز به این اصل استناد می‌کنند.^{۳۸}

هر چند براساس این دکترین، در مواردی که امکان تزامم یا تعارض میان تعهدات حقوق بشری ممکن است، همزمان با ضرورت پایبندی به تعهدات حقوق بشری، تفسیر مانع از تزامم و تعارض می‌گردد، اما مسأله قابل توجه، حدود و شرایط تفسیر است؛ به این ترتیب که تفسیر و اجرای حقوق بشر در عمل ممکن است با توجه به عوامل مختلف به گونه‌های متفاوتی خودنمایی کند. در چنین وضعیتی، همزمان که ممکن است عملی با استناد به اصل آزادی بیان، از مصادیق نقض آزادی مذهب تلقی نشود، در فضایی متفاوت از مصادیق چنین نقضی محسوب گردد. به هر روی، در وضعیت تزامم یا تعارض احتمالی، تنها ضرورت تفسیر هماهنگ و توجه به حق‌ها در بستری مشترک و در راستای اعمال و اجرای دیگر حق‌های بشری می‌تواند مانع از بروز تعارض جدی یا در راستای حل تعارض مورد توجه قرار گیرد.

مبحث پنجم) تفسیر هماهنگ حمایت‌ها و محدودیت‌های موجود در اسناد بین‌المللی پیرامون حق‌های بشری

همان‌گونه که بیان شد، بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد اعمال محدودیت بر آزادی ابراز مذهب^{۳۹} و بند ۳ ماده ۱۹ میثاق در مورد اعمال محدودیت بر آزادی بیان است. در این موارد، آزادی بیان، به‌طور کلی در تقابل با حقوق دیگران قابل تحدید قلمداد می‌شود، حال آن‌که اعمال محدودیت بر آزادی مذهب تنها هنگامی امکان‌پذیر است که در تقابل با «آزادی‌های اساسی» دیگران قرار گیرد.

با تأمل در چنین تفکیکی در خواهیم یافت که «آزادی ابراز مذهب» با آن‌که مشابهت زیادی با «آزادی بیان» دارد در رتبه‌بندی حقوق نسبت به آن از اولویت برخوردار است، چرا که آزادی بیان در صورتی که با سایر حقوق و حتی حیثیت دیگران در تقابل باشد می‌تواند محدود گردد؛ اما آزادی ابراز مذهب تنها زمانی می‌تواند محدود شود که با حقوق و آزادی‌های «اساسی» دیگران در تقابل باشد.

در همین حال، نباید از خاطر برد که زمینه‌های محدودیت آزادی بیان بسیار گسترده‌تر از محدودیت‌های

جامعه است و در هر حال، این دو حق بشری در پرتو یکدیگر تفسیر و اجرا می‌شوند. برای تفصیل بحث حاضر در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر ر.ک: اسدی، طیبیه، پیشین.

۷۳. در قضیه سکوه‌های نفتی و دیوار حائل. ر.ک:

Adam Smith, "Good Fences Make Good Neighbors? The Wall Decision and the Troubling Rise of the ICJ as a Human Rights Court", *18 Harvard Human Rights Journal*, 2005, pp. 250-ff.

۸۳. برای تأمل بیش‌تر در تحول و تکامل این مفهوم به‌طور کلی ر.ک:

Yuval Shany, "Toward a General Margin of Appreciation Doctrine in International Law", *16 Eur. J. Int'l Law* 5, 2005, pp. 907ff.

۹۳. بند ۳ ماده ۱۸ اشعار می‌دارد: «آزادی ابراز مذهب یا اعتقادات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی کرد، مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد».

وارد بر آزادی ابراز مذهب است، هرچند که با توجه به نظریه تفسیری کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۱۸ «با عنایت به ماده ۲۰ میثاق هیچ طریقه ابراز مذهبی نباید مصداق تبلیغ برای جنگ یا دعوت (ترغیب) به کینه ملی، نژادی و یا مذهبی که محرک تبعیض، خصومت یا خشونت است قرار گیرد».^{۴۰} با این وصف، معتقدان به یک آیین دینی یا مذهب خاص نمی‌توانند به بهانه انجام فرایض مذهبی‌شان نسبت به سایر مذاهب، خشونت‌آمیز عمل کرده یا موجبات خصومت و تنفر دینی را فراهم آورند. با این حال، همان‌گونه که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، اساساً در این نظریه تفسیری یا سایر اسناد ذی‌ربط در نهایت به صراحت روشن نشده که در موضع تعارض، کدام یک از محدودیت‌ها قابل اعمال است و به عبارت دیگر، با استناد به یک اصل یا قاعده کلی آزادی بیان از مرتبتی بالاتر برخوردار است یا آزادی مذهب؟

مبحث ششم) نگاهی به سیره ائمه و روایات موجود در رابطه با تعارض آزادی بیان و آزادی مذهب و عقیده

مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر، همه انسان‌ها در انتخاب دین آزادند و می‌توانند احیاناً آن را تغییر داده، به دین و آیین دیگری روی آورند.^{۴۱} به زعم برخی، این قسمت از اعلامیه به صراحت با آموزه‌های اسلامی در تعارض است، چرا که اساس تمام ادیان الهی و تلاش همه انبیا در جهت برخورد با آیین‌های شرک‌آلود و مذاهب دروغین است. پیامبران الهی در این مسیر حتی گاه برای رفع مانع، ناگزیر از توسل به قوای قهریه نظیر شکستن بت‌های یک قوم (حضرت ابراهیم (ع)) و انجام نبردهای نظامی (پیامبر اکرم (ص)) بوده‌اند. اگر براساس اندیشه‌های اسلامی به این باور برسیم که حق و باطل وجود دارند، همه عقاید و باورها برحق نیستند^{۴۲} و این حق و باطل برای انسان‌ها قابل شناخت است، آن‌گاه به نظر می‌رسد از حیث دین، آزادی مطلق برای برگزیدن هر عقیده و آئینی وجود ندارد و تنها باید دین حق و عقاید درست برگزیده شوند. اما آیا انسان آزاد است پس از گزینش یک دین و مذهب، آن را تغییر داده و به دین دیگری روی آورد؟ قبل از پاسخ به این پرسش نباید نکته‌ای را از نظر دور داشت و آن این‌که گرویدن به یک دین و مذهب قاعداً باید با انتخابی آزادانه و از طریق استدلال منطقی صورت گیرد. دین مبین اسلام نیز در دعوت خود از همه انسان‌ها خواسته تا با شنیدن آرا و نظرات گوناگون و تفکر در آن‌ها، بهترین و صحیح‌ترین آن‌ها را

40. General Comment No. 22: The Right to Freedom of Thought, Conscience and Religion (Art. 18).

CCPR/C/21Rev.1/Add. 4, General Comment No. 22 (General Comment), available at: <http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf%28Symbol%29a30112c27d1167cc12563ed004d8f15?Opendocument> (30.10.2010).

۴۱. ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب بهره‌مند گردد، این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا باور، آزادی اظهار مذهب یا باور به شکل آموزش، عمل به شعائر، نیایش و به جای آوردن آیین‌های مذهبی چه به تنهایی و چه به صورت جمعی نیز می‌شود».

۴۲. فماذا بعد الحق إلا الضلال.

برگزینند.^{۴۳}

در واقع، هیچ دین و آئینی چون اسلام، انسان‌ها را به تفکر و اندیشیدن دعوت نکرده و از بحث و گفتگوی منطقی با دیگران استقبال نکرده است. این امر خود حاکی از برحق بودن آموزه‌های این دین و برخورداری آن از پشتوانه‌های استوار عقلانی است.^{۴۴}

با این اوصاف، از منظر آیات و روایات، در صورتی که فردی مسلمان بوده یا از آئینی دیگر به این دین گرویده باشد، نباید به دین دیگری گرایش پیدا کند. با این وصف به نظر می‌رسد معنای این سخن آن است که از نظر احکام و قوانین اسلامی، تغییر دین از اسلام به دینی دیگر به هیچ روی جایز نیست. البته این بدان معنی نیست که اگر مسلمانی دین خود را تغییر دهد و یا ملحد و بی‌دین شود، مجازات مرگ در انتظار خواهد بود.^{۴۵} گفتنی است ارتداد در اسلام، احکام خاص خود را دارد و اثبات آن مشروط به اثبات بلوغ، عقل، اختیار و قصد مرتد می‌باشد. به علاوه اجرای حد ارتداد، منوط به احراز شرایطی از جمله ابراز و اعلان آشکار تغییر دین توسط فرد، وجود عداوت از سوی او و قصد وی مبنی بر تضعیف اسلام از سوی او است.^{۴۶} لذا اگر کسی مرتد شد اما آن را آشکار نکرد و به تضعیف اسلام هم نپرداخت، گرچه عمل وی از نظر احکام اسلامی حرام و ممنوع است، اما حکم ارتداد بر وی جاری نخواهد شد. پیامبر اکرم (ص) نیز با علم به این که منافقین به دین اسلام هیچ اعتقادی ندارند، ولی به دلیل این که سخنی دال بر عدم اعتقاد از سوی آنان بیان نمی‌شد، با آن‌ها مانند مسلمان رفتار می‌کردند.^{۴۷}

از سوی دیگر لازم است جهت بررسی تطبیقی دقیق‌تر، به ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز توجه کنیم.^{۴۸} این ماده به حق آزادی در چند حوزه اشاره کرده است: «آزادی عقیده، بیان، جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید از طریق هر نوع رسانه».

۴۳. «فَيَسِّرْ لَآلِئِن يَسْمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أَهْلُ الْآلْبَابِ». پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند آن‌ها همان کسانی هستند که خداوند بر ایشان راه نموده و ایشان همان خردمنداند (زمر ۱۷ و ۱۸).

۴۴. قرآن کریم حتی در سوره توبه خطاب به پیامبر می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان قومی هستند که نمی‌دانند. (توبه ۶).

۴۵. جهت بررسی تفصیلی در این خصوص ر.ک:

<http://marifat.nashriyat.ir/node/1359> (05. 03. 2011).

۴۶. رفانی فر، داود، آیا بیانیه جهانی حقوق بشر با اسلام و آموزه‌های اسلامی تعارض دارد؟، ر.ک:

<http://safir-ac.ir/Portal/Culture/Persian/CaseID/73035/71243.aspx> (last visited 08.01.2011)

47. Ibid.

۴۸. «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد؛ این حق دربرگیرنده آزادی داشتن عقیده بدون مداخله، و آزادی درجست و جو، دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید از طریق هر نوع رسانه‌ای بدون در نظر گرفتن مرزها می‌شود».

به هر حال، به دلیل وجود ابهام مفهومی در واژه اعتقاد، حدود و ثغور معنای آن به درستی مشخص نیست. بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان اگرچه از حیث تکوینی آزاد است که هر آیین و عقیده‌ای را برگزیند،^{۴۹} با این حال موظف است تا از میان گزینه‌های موجود، بهترین و کامل‌ترین را انتخاب کند و بی‌شک در این میان، قول و روایت بهتر، خود روشن و مبرهن خواهد بود.^{۵۰}

علاوه بر این، برخی اندیشمندان اسلامی نیز بر امکان تعارض آزادی مطلق عقیده و آموزه‌های اسلامی تأکید کرده‌اند. برای نمونه، مرحوم علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌گوید: «یکی از عجایب آن است که بعضی درصدد اثبات آزادی مطلق عقیده در اسلام، هستند. در حالی که توحید، اساس تمامی نوامیس و احکام اسلامی است و با این حال چطور ممکن است اسلام آزادی مطلق عقیده را تشریح کرده باشد...؟ آزادی عقیده در اسلام مثل این می‌ماند که دنیای متمدن امروز به وضع قوانین متعدد پرداخته و آن‌گاه در آخر، این قانون را هم اضافه کند که مردم در عمل کردن به این قوانین آزادند، اگر خواستند عمل نکنند و اگر نخواستند نکنند!».^{۵۱} آیت‌الله مطهری (ره) نیز در این خصوص می‌گوید: «میان آزادی تفکر و آزادی عقیده تفاوت وجود دارد، به این ترتیب اگر اعتقادی بر مبنای تفکر باشد و به عبارتی عقیده‌ای داشته باشیم که ریشه آن تفکر است، اسلام چنین عقیده‌ای را می‌پذیرد و غیر از این عقیده را اساساً قبول ندارد. این آزادی عقیده، آزادی فکر است. اما عقایدی که بر مبناهای وراثتی و تقلیدی و از روی جهالت، به خاطر فکر نکردن و تسلیم شدن در مقابل عوامل ضد فکر در انسان پیدا شده است، اسلام هرگز این‌ها را به نام آزادی عقیده نمی‌پذیرد».^{۵۲}

اما در زمینه آزادی بیان، بنابر مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر کس آزاد است آرا و نظرات خود در امور مختلف را بیان کند و هیچ فرد یا نهادی حق ندارد مانع او شود. از مجموع آنچه تا به حال درباره آزادی مذهب و عقیده آوردیم، می‌توان گفت همه افراد حق و در برخی موارد وظیفه دارند نظرات خود را بیان کنند، آن‌ها را در معرض انظار و افکار دیگران قرار دهند و در این راستا نباید از برخوردهای احتمالی، ترسی داشته باشند. اساساً حیات یک جامعه پویا در این است که نشاط علمی و فرهنگی در آن وجود داشته باشد و همه

۹۴. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» «در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است» (بقره ۲۵۶)؛ و همچنین «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» «بگو حق از پروردگارتان [رسیده] است پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند» (کهف ۲۹).

۵. «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» کدام قول بهتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید من در برابر پروردگار از تسلیم‌شدگانم؟ (فصلت ۳۳)؛ و همچنین «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» بگو این است راه من که من و هر کس پیروم کرد، که با بینایی به سوی خدا دعوت کنم و منز است خدا و من از مشرکان نیستم (یوسف ۱۰۸).

۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۱۴۸.

۲۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۳۷۴.

بتوانند با استماع اقوال مختلف، به تفکر درباره آن‌ها پرداخته آرای صحیح‌تر در هر موضوع را دریابند^{۵۳} و به تعبیر استاد مطهری: «چنین تصور نشود که با جلوگیری از ابراز افکار و عقاید می‌شود از اسلام پاسداری کرد. از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن منطق، آزادی دادن و مواجهه صریح و رُک و روشن با افکار مخالف است».^{۵۴} قرآن کریم نیز ضمن رد آزادی مطلق^{۵۵} همه انسان‌ها را به تفکر و اندیشه دعوت می‌نماید.

مبحث هفتم) آزادی بیان و ممنوعیت نابدرداری مذهبی

تلاش برای تبلیغ بردباری و گسترش آن که لازمه رشد حقوق بشر است، به‌طور رسمی از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه سازمان ملل قرار گرفت؛ چنان‌که قطعنامه‌های مجمع عمومی (قطعنامه ۱۲۶/۴۸ مصوب ۳۰ دسامبر ۱۹۹۳ و قطعنامه ۲۱۳/۴۹ در ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴) سال ۱۹۹۵ میلادی را «سال بردباری مذهبی» اعلام کردند. اسناد مصوب کنفرانس عمومی یونسکو در قطعنامه‌های ۲۶۰/۵/۱۴ (۳ نوامبر ۱۹۹۱) و ۲۷۰/۵/۱۴ (۱۵ نوامبر ۱۹۹۳) مهم‌ترین گام‌های سازمان ملل در این زمینه محسوب می‌شوند. اعلامیه منع نابدرداری (۱۴ می ۱۹۸۱) و بیانیه و طرح اقدام در مبارزه با نژادپرستی، بیگانه‌ستیزی و نابدرداری (۸۹ نوامبر ۱۹۹۳) نیز که یک کمیسیون اروپایی برای مقابله با نژادپرستی و نابدرداری تأسیس کرد، پایه‌های اولیه ابتکار سازمان ملل در این خصوص محسوب می‌شوند.^{۵۶}

اما به‌طور خاص، در سال ۱۹۶۵ اعلامیه اصول بین‌المللی همکاری فرهنگی اعلام داشت: «هر فرهنگی احترام و ارزشی دارد که باید محترم شمرده شود و تمام مردم حق و تکلیف دارند تا فرهنگ خود را توسعه دهند، لذا تمامی فرهنگ‌ها جزئی از میراث مشترک بشریت را تشکیل می‌دهند. احترام به فرهنگ‌های مختلف و افراد و گروه‌های انسانی متعلق به آن‌ها تجلی یکی از زمینه‌های ممنوعیت نژادپرستی و تبعیض نژادی است».^{۵۷} اعلامیه مذکور همچنین عملکردهای نژادی، مذهبی و تنفر ملی در مورد حوزه‌های سیاسی، تربیتی و فرهنگی زندگی اجتماعی را نقض منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر تلقی نموده و

۳۵. عرفانی‌فر، داود، آیا بیانیه جهانی حقوق بشر با اسلام و آموزه‌های اسلامی تعارض دارد؟، در

<http://safir-ac.ir/Portal/Culture/Persian/CaseID/73035/71243.aspx> (last visited 08.01.2011)

۴۵. همان.

۵۵. «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی‌هیچ [دانشی از راه خدا گمراه کنند و] راه خدا را به ریشخند گیرند برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود. (لقمان ۶).

۶۵. زانی، کلادیو، حقوق بشر و بردباری، ترجمه محمدعلی شیرخانی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۶۲.

57. Ibid.

آن‌ها را محکوم نمود.^{۵۸} به‌علاوه قطعنامه شماره ۱۵۱۰ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۶۰ مجمع عمومی که تمام اشکال تبعض نژادی را محکوم کرد با مفهوم تساهل و بردباری و تلاش برای محور روحیه تبعیض ارتباط مستقیمی دارد. اساساً چنین به نظر می‌رسد که افزایش تنش‌های قومی و قبیله‌ای، بروز جنگ‌های داخلی، گسترش و تشدید بنیادگرایی و... همه از عوامل ظهور ناپردباری‌های مذهبی‌اند که در سال‌های اخیر شکل‌های جدیدی نیز به خود گرفته است.

برای اولین بار در سال ۱۹۶۲ مجمع عمومی از تمامی دولت‌ها خواست تا قوانین تبعیض‌آمیزی را که در استمرار تبعیض نژادی و ناپردباری مذهبی نقش دارند ممنوع و ملغی کنند و اقداماتی مقتضی را برای مبارزه با این‌گونه ناپردباری‌ها و تعصبات صورت دهند. در همین راستا، در نهایت در ۲۵ نوامبر سال ۱۹۸۱ اعلامیه منع ناپردباری مذهبی به تصویب مجمع عمومی رسید.^{۵۹}

بردباری مذهبی در ساده‌ترین و اساسی‌ترین شکل آن بر شناخت حقوق دیگران و احترام گذاردن به آن‌ها به خاطر شخصیت و هویتشان مبتنی است. ارزش‌های اجتماعی و سیاسی نوین که هنجارهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر از آن‌ها نشأت گرفته‌اند، در ابتدا به واسطه نیاز به بردباری به‌عنوان اساسی‌ترین شرط حفظ نظم و ثبات نظام اجتماعی به شکل قاعده در آمده‌اند. بند دوم ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر در همین خصوص اشعار می‌دارد: «باید تفاهم و بردباری و مدارا در میان تمام ملت‌ها و گروه‌های نژادی یا مذهبی ارتقا یابد». به هر حال، در میان قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی، اعلامیه رفع تمامی اشکال ناپردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده مصوب ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ (قطعنامه ۳۶/۵۶) یک سند اساسی و مورد قبول محسوب می‌شود.^{۶۰}

از سوی دیگر از آن‌جا که آزادی بیان یک حق جمعی است، لذا متضمن شرط احترام به حقوق، حیثیت و آبروی دیگران، نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز می‌باشد. لذا، نقض همه این شروط و یا یکی از آن‌ها منجر به افزایش تنش و درگیری و در خطر افتادن صلح و امنیت جامعه بشری خواهد شد. اهانت به اعتقادات مذهبی یک گروه یا جمعیت، همچنین اصول مهم سازمان ملل را نقض کرده و اقدامی غیرمستقیم در جهت ترغیب به کینه و تنفر محسوب می‌شود. به این ترتیب از آنجا که مدارا و بردباری مذهبی به‌عنوان عنصر مهم همه جوامع دموکراتیک و پیش‌شرط اساسی احترام به حقوق بشر محسوب می‌شود، همچنین از آن‌جا که ناپردباری مذهبی متضمن «عمل یا ترک عملی» است که جدا از انگیزه آن نقض حقوق بشر محسوب می‌شود، نمی‌توان تنها برخی رفتارهای خاص و یا اعمالی که با انگیزه قبلی صورت گرفته‌اند را به‌عنوان مصادیق تبعیض نژادی و یا ناپردباری ذکر کرد، لذا به نظر می‌رسد آنچه در مقوله ناپردباری و تبعیض مهم

58. Res. 1993/20, (20 March, 1993).

۹۵. اعلامیه امحای همه اشکال ناپردباری و تبعیض مذهبی، مصوب مجمع عمومی، قطعنامه ۳۶/۵۶، ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱.

60. GAR, 36/56, 1981.

است، تأثیر آن رفتار یا عملکرد در ترویج تنفر نژادی یا ملی و مذهبی و یا جلوگیری از گسترش آن می‌باشد.^{۶۱}

مبحث هشتم: حمایت‌های بین‌المللی و ملی از آزادی بیان و مذهب

اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق آزادی بیان و آزادی مذهب را به رسمیت می‌شمارند. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر انسان دارای حق آزادی بیان و اظهار عقیده است». در همین حال، بند اول ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌گونه‌ای تنظیم شده که براساس آن «هر شخص می‌تواند بدون هرگونه ممانعتی عقیده‌ای را داشته باشد».^{۶۲}

با این حال، بر اساس میثاق، حمایت‌هایی از افراد و گروه‌های انسانی در برابر توهین و افترا صورت گرفته است. به این ترتیب، همزمان که ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، متضمن حفاظت از آزادی بیان و اندیشه است، چنین حقی دربرگیرنده تعهداتی نیز محسوب می‌شوند. بند سوم این ماده مقرر می‌دارد: «این حق موضوع برخی محدودیت‌ها قرار می‌گیرد... هرچند این قبیل محدودیت‌ها تنها محدودیت‌هایی هستند که توسط قانون به رسمیت شناخته شده و برای احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حمایت از منافع ملی و یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه ضروری هستند».^{۶۳}

ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی متضمن این است که دولت‌ها نه تنها موظفند از سخنانی که موجب ایجاد تنفر دینی و درگیری میان اهل ادیان و عقاید می‌گردد پیشگیری کنند، بلکه موظفند از نشر دیدگاه‌های دینی خشنی که موجب نقض حقوق و آزادی‌های دیگران می‌شود نیز جلوگیری کنند و قلمرو تحت حاکمیت دولت‌های خود را برای زندگی همراه با احترام، آسایش و بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های اساسی برای شهروندان و کلیه اشخاص تحت کنترل مؤثر خود فراهم آورند. علاوه بر این، بند دوم ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هرگونه حمایت از تنفر نژادی یا مذهبی که انگیزه‌ای برای

۱۶. اسدی، طیبه، پیشین، ص ۲۱-۲۲.

۲۶. در مقدمه نظریه تفسیری شماره ۲۲ کمیته حقوق بشر در همین خصوص آمده است: «حق بر رهایی از تنفر برای داشتن یا پذیرش یک مذهب یا عقیده و آزادی والدین و اولیا جهت تضمین آموزش و پرورش اخلاقی و مذهبی نمی‌تواند محدود گردد». لازم به ذکر است که دولت‌ها در تفسیر حوزه شروط محدودکننده باید در جهت حفظ حقوق تضمین شده در میثاق از جمله حق بر برابری و عدم تبعیض عمل کنند. ر.ک:

<http://www.hrlrc.org.au/files/HRLRC-Submission-Freedom-of-Religion1.pdf> (8.10.2010)

۳۶. بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی. به نظر کمیته حقوق بشر در قسمت ۱۶ نظریه تفسیری شماره ۲۲، لازم است تا بند ۳ ماده ۱۸ باید به صورت مضیق تفسیر گردد، به‌گونه‌ای که محدودیت‌هایی جز در مواردی که به صراحت به آن‌ها اشاره شده اعمال نگردد، حتی اگر مانند امنیت ملی به‌عنوان محدودیت در مواد دیگری از میثاق ذکر شده باشند.

تبعیض، عداوت یا خشونت باشد، از نظر قانون ممنوع است». بنابراین، کلیه اعضای میثاق حقوق مدنی و سیاسی موظفند تضمین کنند که در قلمرو داخلی‌شان مقرراتی علیه چنین اقداماتی با اهداف حمایتی مورد نظر میثاق وضع و به اجرا در می‌آید.

با این حال، حمایت‌های مطرح در سطح سیستم‌های حقوق داخلی نیز قابل تصور است.^{۶۴} در ایالات متحده آمریکا آزادی بیان امری مقدس محسوب می‌شود و تنها زمانی مورد محدودیت قرار می‌گیرد که اعمال آن خطری جدی و قریب‌الوقوع یا خسارتی شدید را برای دیگری به همراه داشته باشد.^{۶۵} در قانون داخلی آلمان، همزمان که عقاید و باورهای مذهبی افراد محترم شناخته می‌شوند، کرامت و هویت شخصی افراد نیز از هرگونه توهین و استهزا به واسطه اظهارات متضمن هتک حرمت مذهبی مصون شمرده می‌شوند.^{۶۶} در میانه طیف این دو رویکرد، دیوان اروپایی حقوق بشر و سیستم حقوقی استرالیا^{۶۷} در تلاش برای برقراری نوعی توازن میان آزادی‌های مذهبی و آزادی بیان است. در قوانین داخلی آلمان آمده است: «هر اقدامی که موجب تحریک تنفر، استهزا و یا اهانت دینی به شخص یا اشخاصی به سبب عقاید دینی‌شان گردد، ممنوع است». در قانون اتریش، توهین به همه ادیان کشور جرم‌انگاری شده است. بر این اساس: «هر کس در شرایطی باشد که رفتار او موجب تحریک خشم، بی‌مقدار کردن و یا بی‌احترامی به یک شخص یا شیئی که مورد تقدیس یک کلیسا یا یک جامعه مذهبی که در داخل کشور تأسیس شده است و یا یک عقیده دینی، یک سنت قانونی، و یا یک نهاد قانونی همچون کلیسا و یا جامعه مذهبی گردد، مشمول حبس تا شش ماه و جریمه تا ۳۶۰ واحد به نرخ روز است».^{۶۸} در قانون داخلی انگلستان نیز اعمالی که موجب برانگیخته شدن تنفر دینی علیه اشخاص به سبب مذهب آن‌ها می‌گردد، جرم‌انگاری شده است.^{۶۹} ماده ۷۷ قانون ۱۹۹۰ الجزایر نیز برای هر کس که با نوشته، صوت، تصویر، نقاشی و یا هر طریق مستقیم یا

۴۶. برای تفصیل بیشتر در این خصوص ر.ک:

P. Van Dijk & G.J.H. Van Hoog, *Theory and Practice of the European Convention on Human Rights*, The Hague, Kluwer Law International, 1988, pp. 10-25.

۵۶. حق‌های موضوع ماده ۹ از اصل اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا و اصلاحیه چهاردهم در این خصوص قابل توجه‌اند. ر.ک: مدکس، رابرت ال. *قوانین اساسی کشورهای جهان (بررسی قوانین اساسی هشتاد کشور جهان)*، ترجمه سید مقداد ترابی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۶۶. ر.ک: بخش اول از قانون اساسی ۱۹۴۹ آلمان تحت عنوان حقوق اولیه (همان).

۷۶. اصل ۱۱۶ از ماده ۹ مصوبه ۱۹۰۰ قانون اساسی استرالیا که دولت فدرال موظف به رعایت آن است، آزادی مذهب را تضمین می‌کند و اصل ۱۱۷ گستره حقوق بنیادین را محدود می‌داند. ر.ک: همان.

68. Section 188 of Austrian Penal Code, reprinted in Otto-Preminger, 295 Eur. Ct. H.R. (Ser. A) at 12. 86 R. v. Lemon, R.v. Gay News Ltd.

69. Racial and Religious Hatred Act 2006 (Section 29A) see [http://www.statutelaw.gov.uk/content.aspx?activeTextDocId=2320532\(20.10.2010\)](http://www.statutelaw.gov.uk/content.aspx?activeTextDocId=2320532(20.10.2010)).

غیرمستقیم دیگر علیه اسلام یا هر یک از ادیان الهی اقدام کند، مجازات‌هایی را پیش‌بینی کرده است.^{۷۰}

نتیجه‌گیری

حق آزادی مذهب و آزادی بیان، دو حق شناخته شده در اسناد حقوقی و در باور جامعه بین‌المللی محسوب می‌شوند، حق‌هایی که تراحم و تعارضشان ممکن، اما قابل پیشگیری است. آزادی بیان تا جایی مقدس و ممدوح است که توهین به مقدسات دینی را به همراه نداشته باشد؛ چرا که در غیر این صورت اگر به حقی بشری خدشه وارد سازد، گویی خود نقض شده است. واکنش طبیعی و خودجوش مسلمانان جهان به اقدامات نفرت‌انگیز کشیشان امریکایی، که روح و قلب قریب به دو میلیارد مسلمان و میلیاردها انسان آزاده در سراسر جهان را به درد آورد، نشان از همین باور و ضرورت پاسداشت ارزش‌های مقدس دینی است که در سرشت و ذات هر انسانی به ودیعه نهاده شده است. اما نباید از خاطر دور داشت که توسل به اقداماتی مانند هتک حرمت ساحت مقدس ادیان الهی به بهانه آزادی بیان همان‌قدر انزجار برانگیز است که اقدامات نامناسب مؤخر بر این اعمال.^{۷۱} همین‌جا است که ضرورت دارد تا حق‌های بشری نه به‌نحو مطلق که با توجه به سایر حقوق و در پرتو آن‌ها مورد تفسیر قرار گیرند. با این وصف، آزادی بیان به معنای واقعی، تنها جایی متولد می‌شود که باور به مذهب و اعتقادات مذهبی در آن مقدس است و در تعارض با آن قرار نمی‌گیرد. لذا، آزادی مذهب عملاً تنها در پرتو آزادی بیان، هویت و تجلی می‌یابد.

برخی محدودیت‌ها یا چارچوب‌هایی که در اسناد حقوق بشری به آن‌ها اشاره شده و تفسیر هماهنگ از این حق‌ها در پیشگیری از هرگونه تعارض میان آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردارند. بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین ماده ۲۰ این سند از این حوزه‌ها هستند. این در حالی است که به هر روی، آستانه آزادی بیان در ارتباط با حوزه ماده ۲۰ بسیار محدودتر از قلمرو بند ۳ ماده ۱۹ است. با این وصف، تنها لازم است به این امر توجه شود که هدف عمده محدودیت‌های مذکور در میثاق و

70. See Human Rights Committee: Consideration of Reports Submitted by States Parties, Second Periodic Report (Algeria), para.160, U.N. Doc. CCPR.C.101.Add.1 (18 May 1998).

۱۷. در همین خصوص حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، به‌نحو عالمانه‌ای در بیانیه مهمی که متعاقب چنین اقدامات مضمّن‌کننده‌ای صادر فرمودند، با اشاره به پشت پرده این ماجرا اشعار داشتند: «هدف از اقدام نفرت‌انگیز اخیر آن است که از سویی مقابله با اسلام و مسلمانان در جامعه مسیحی به سطوح همگانی مردم کشیده شود و با دخالت کلیسا و کشیش، رنگ مذهبی گرفته و پشتوانه‌ای از تعصبات و تعلقات دینی بیابد، و از سوی دیگر ملت‌های مسلمان را که از این جسارت بزرگ به خشم آمده و جریحه‌دار می‌شوند از مسائل و تحولات دنیای اسلام و خاورمیانه غافل سازد». ایشان همچنین تأکید کردند: «همه باید بدانیم که حادثه اخیر ربطی به کلیسا و مسیحیت ندارد و حرکات عروسکی چند کشیش ابله و مزدور را نباید به پای مسیحیان و مردان دینی آنان نوشت. ما مسلمانان هرگز به عمل مشابهی در مورد مقدسات ادیان دیگر دست نخواهیم زد. نزاع میان مسلمان و مسیحی در سطح عمومی، خواسته دشمنان و طراحان این نمایش دیوانه‌وار است و درس قرآن به ما، در نقطه مقابل آن قرار دارد». ر.ک:

http://www.safirnews.com/special_news/011491.php (26.10.2010).

سایر اسناد حقوق بشری، همچون بند ۳ ماده ۱۸ و بند ۳ ماده ۱۹ میثاق در مورد آزادی مذهب و آزادی بیان، رعایت نظم عمومی، اخلاق حسنه و یا حقوق دیگران است که در چنین مواردی، اعمال محدودیت‌ها به‌عنوان استثنایی بر اصل آزادی و منوط به تحقق شرایطی است، در حالی که محدودیت آزادی بیان براساس بند ۲ ماده ۲۰ به‌عنوان یک ضرورت حقوق بشری شناخته می‌شود. بر اساس این بند، دولت‌ها قادر به اعمال برخی محدودیت‌ها علیه آزادی بیان هستند و در این زمینه باید همچون دیگر اقدامات مثبت در راستای تحقق حقوق بشر، حمایت از افراد در مقابل بیانات تنفر آمیز به تصویب قوانین ملی مبادرت ورزند و این امر خود زمینه تأمل بیش‌تری در مسأله تزاحم و تعارض احتمالی میان حق‌ها و تلاش در جهت پیشگیری از آن، نخست در سطح ملی و در نهایت در جامعه بین‌المللی را مهیا می‌سازد.

در اعمال تفسیر و اجرای هماهنگ حق آزادی بیان و آزادی مذهب، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر نیز تا حدی راهنما است. به زعم دیوان، توهین و اهانت به مقدسات افراد مسئولیت‌آور است؛ به‌علاوه نقض روحیه تساهل و بردباری مذهبی نیز محسوب می‌شود. از سوی دیگر، همین مرجع در قضایای متعددی تلاش می‌کند تا ممنوعیت تبعیض نژادی و نژادپرستی را در آرای خود در نظر داشته و در همه موارد بر مسئولیت اولیه دولت و سپس افراد بر ممنوعیت بیان دیدگاه‌های تحقیرآمیز و نژادپرستانه در مورد سایر افراد، گروه‌ها و مذاهب دیگر تأکید نماید و این خود نشان‌دهنده ضرورت توجه به حق آزادی بیان در چارچوب رعایت حق آزادی عقیده و بردباری مذهبی است.

به هر روی، در این مقاله کوشیدیم تا از دریچه حق آزادی بیان و عقیده از یک‌سو و حق آزادی مذهب، واقع‌ای را که اخیراً حادث شد، مورد تحلیل قرار دهیم. توهین و هتک حرمت هیچ‌یک از مقدسات به بهانه آزادی بیان مورد قبول نیست، بلکه عملی نکوهیده و براساس اسناد حقوقی بین‌المللی موجود و همچنین برخی اسناد حقوقی ملی ممنوع است و موجبات تنفر مذهبی و گاه درگیری‌های بین‌المللی را فراهم می‌سازد. با این وصف، علی‌رغم این که اصولاً در حقوق بین‌الملل، اعمال اشخاص خصوصی به دولت منتسب نمی‌شود و اصولاً دولت مسئولیتی به لحاظ اعمال اشخاص خصوصی ندارد، دولت‌ها موظفند تا با وضع قوانین لازم و اتخاذ تدابیر مناسب اجرایی، مانع از آن شوند که افراد از حق‌های بشری خویش و از جمله آزادی بیان در راستای بی‌حرمتی به مقدسات مذاهب دیگر سوءاستفاده کنند. با این بیان، به نظر می‌رسد دولت ایالات متحده آمریکا این تعهد خویش را نادیده انگاشته است، تعهدی که نه مرز می‌شناسد و نه زمان و مکان؛ چرا که در نهایت به حرمت و کرامت نوع بشر بر می‌گردد.

آری قرآن نماد است، نماد اندیشه‌هایی که آتش کشیدنی نیستند، اندیشه‌هایی که رسوخ در روح و جانمان دارند و «گرچه کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل و مسخره خاموش کنند، اما باریتعالی

خود وعده داده است که نورش را تا همیشه، تمام و کمال محفوظ خواهد داشت».^{۷۲}



۲۷. «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف، ۸)

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. مدکس، رابرت، ال. قوانین اساسی کشورهای جهان (بررسی قوانین اساسی هشتاد کشور جهان)، ترجمه مقداد، ترابی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵.
۲. اسدی، طیبه، «آزادی بیان و هتک حرمت ادیان و پیامبران در اروپا از منظر حقوق بشر»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۰، ۱۳۸۵.
۳. اعلامیه امحای کلیه اشکال نابردباری و تبعیض مذهبی، مصوب مجمع عمومی، قطعنامه ۳۶/۵۶، ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱.
۴. زانی، کلادیو، حقوق بشر و بردباری: جانوس سیمونیدوس، ترجمه محمدعلی شیرخانی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۵. زمانی، سیدقاسم، تقریرات درس حقوق بین‌الملل بشر، دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، نیمسال اول تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹.
۶. سادات اخوی، سیدعلی، «قاعده قانون مطلوب‌تر بعنوان ضابطه حل تعارض میان معاهدات حقوق بشری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲، ۱۳۸۵.
۷. سیمونیدوس جانوس، حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها، ترجمه محمدعلی شیرخانی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۸. شهبازی، آرامش، «تأملی در وحدت و کثرت نظام حاکم بر سیستم حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۸۸، ش ۴۱.
۹. شهبازی، آرامش، نظام حقوق بین‌الملل، وحدت در عین کثرت، شهر دانش، ۱۳۸۹.
۱۰. قاری سید فاطمی، سیدمحمد، «قلمرو حق‌ها در حقوق بشر معاصر: جهانشمولی در قبال مطلق‌گرایی»، نامه مفید، ش ۳۳، ۱۳۸۱.

ب) انگلیسی

1. Brems Eva, "Conflicting Human Rights: An Exploration in the Context of the Right to a Fair Trial in the European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms", 27 *Human Rights Quarterly* (1), 2005.
2. Dijk P. Van & G.J.H. Van Hoog, *Theory and Practice of the European*

- Convention on Human Rights*, The Hague, Kluwer Law International, 1988.
3. Henkin Louis, "Group Defamation and International Law", in *Group Defamation and Freedom of Speech: The Relationship Between Language and Violence* Monroe H Freedman & Eric M Freedman (eds.), 1995.
 4. General Comment No. 22: The Right to Freedom of Thought, Conscience and religion (Art. 18).
 5. Greer S., *The Margin of Appreciation: Interpretation and discretion Under the European Convention on Human Rights*, Council of Europe, 2000.
 6. Human Rights Committee: Consideration of Reports Submitted by States Parties, Second Periodic report (Algeria), para.160, U.N. Doc. CCPR.C.101.Add.1 (18 May 1998).
 7. Hutchinson Michael, "the Margin of Appreciation Doctrine in the European Court of Human Rights", 48 *International and Comparative Law Quarterly*, 1999.
 8. International Covenant on Civil and Political Rights (Oxford, Clarendon Press, 1991), p. 460. Human Rights Committee, General Comment no. 10: Freedom of Expression (Art.19) (UN Doc. CCPR/C/21/Add.2, 1983).
 9. Krishnaswami Arcot, *Study of Discrimination in the Matter of Religious Rights and Practices*, UN Sales No. 60. (1960), XIV.2
 10. Lerner Natan, *Religion, Beliefs, and International Human Rights* (2000). Meron Theodor, "On a Hierarchy of International Human Rights", 80 *Am. J.Int'l Law* (1), 1986.
 11. Racial and Religious Hatred Act 2006 (Section 29A).
Section 188 of Austrian Penal Code, reprinted in Otto-Preminger, 295 *Eur. Ct. H.R.* (Ser. A) at 12
 12. Shany Yuval, "Toward a General Margin of Appreciation Doctrine in International Law", 16 *Eur. J .Int'l Law* (5), (2005).
 13. Smith, Adam, "Good Fences Make Good Neighbors? The Wall Decision and the Troubling Rise of the ICJ as a Human Rights Court", 18 *Harvard*

Human Rights Journal, 2005.

14.Svensson Anna-Lena, McCarthy, *The International Law of Human Rights and States of Exception: With Special Reference to the Travaux Preparatoires and Case-Law of the International Monitoring*, Springer, 1998.

ج) منابع اینترنتی

<http://news.oneindia.in/2010/09/11/9-11-anniv-another-church-threatens-quran-burning.html>(17.10.2010).

<http://news.oneindia.in/2010/09/11/9-11-anniv-another-church-threatens-quran-burning.html> (17.10.2010).

<http://www.hrlrc.org.au/files/HRLRC-Submission-Freedom-of-Religion1.pdf>.

<http://www.oic-oci.org/press/english/2005/5/october2005/eu-sg.htm>.(03.09.2010).

http://www.safirnews.com/special_news/011491.php(26.10.2010).

http://www.tebyan.net/politics_social/politics/foreign_policy/report/2010/9/14/136850.html(17.10.2010).

<http://www.statutelaw.gov.uk/content.aspx?activeTextDocId=2320532>(20.10.2010).

